

مهاجرپذیری تحصیلی و هویت در جمهوری اسلامی ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

توحید محرمی*

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶

محمد اسحاقی**

چکیده

امروزه یکی از راه‌های توسعه حوزه اقتدار و گسترش عمق استراتژیک و نفوذ کشورها بهره‌گیری از شیوه‌های تعامل فرهنگی و اجتماعی در بین‌الملل است که تبادل دانشجو و آموزش و تربیت جوانان ممالک دیگر از جمله این روش‌هاست؛ اما اتخاذ این سیاست‌ها خالی از مشکل هم نیست. در واقع الگوهای مهاجرپذیری، آثار و تبعات متفاوتی را در جوامع مختلف ایجاد می‌کنند. در برخی از اشکال مهاجرپذیری، مقاومت داخلی کاهش یافته و هویت شکننده می‌شود و در برخی از مدل‌های مهاجرپذیری با افزایش تعاملات خارجی موجبات ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان فراهم می‌گردد؛ که در این بین جذب نخبگان و پذیرش هدفمند جوانان مستعد دیگر جوامع برای ادامه تحصیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در سال‌های گذشته، مسئله تعاملات فرصت‌ساز و تهدیدزدا با خارج از کشور از مسائل مهم از دیدگاه صاحب‌نظران و دانشمندان حوزه‌های مختلف علمی همچون علوم اجتماعی، مدیریت استراتژیک و علوم سیاسی بوده است. بر این اساس در این نوشتار سعی کردیم تأثیر متقابل مهاجرپذیری تحصیلی و هویت در مؤلفه فرهنگی و اجتماعی در جمهوری اسلامی را با بهره‌گیری از نتایج مطالعاتی انجام داده‌شده برای دانش‌پژوهان تبیین نماییم که اجمالاً از نتایج تحقیق حاضر آنکه راهبردهای مناسب برای حفظ و ارتقاء هویت ایرانی اسلامی ما در ارتباط با مهاجرپذیری تحصیلی جمهوری اسلامی ایران باید مؤلفه فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان مرکز ثقل هویت‌ساز نظام همچنان موردتوجه است و از جمله عواملی چون ولایت، امامت، مرجعیت، وجود اسلام و تشیع، حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین، سازمان اداری مناسب و هم‌افزا، نفوذ اسلام و تشیع در جهان و دیگر عناصر هویت ایرانی اسلامی، مدنظر باشند.

واژگان کلیدی

مهاجرت، مهاجرپذیری تحصیلی، هویت، جامعه میزبان، اجتماع مهاجران، جمهوری اسلامی

tohidmoharrami@yahoo.com

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات (نویسنده مسئول)

m.eshaghi.a@ut.ac.ir

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران

در عصر حاضر با گسترش حمل و نقل آسان و ارتباطات فراگیر و توسعه فناوری‌های اطلاعات، مهاجرت و جابه‌جایی انسان‌ها افزایش یافته است و زندگی فردی و اجتماعی بشر امروز را تحت تأثیر جدی قرار داده و تحولی شگرف در روابط بین ملت‌ها ایجاد کرده است. به‌طوری که مفاهیم و مسائل جدیدی برای مقولاتی همچون مهاجرت و مهاجرپذیری و آثار و تبعات آن بر جوامع مختلف مطرح شده است که قبلاً مورد توجه و بررسی تخصصی دانشمندان و صاحب‌نظران نبوده است. مهاجرت از جامعه مبدأ و دلایل انتخاب جوامع مقصد و پیامدهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و امنیتی و اقتصادی آن، بیانگر وجود نابرابری‌های ساختاری در سطوح داخلی و بین‌المللی است؛ یعنی شهروندانی از جوامع مختلف و از جمله نیروی انسانی متخصص، نخبه، ماهر و آموزش‌یافته، به دلایل متعددی همچون رهایی از ظلم و ستم، ارتقای کیفیت زندگی خود و خانواده و در بخشی از آنان به خاطر گسترش مرزهای علم و دانش و فناوری، زیستن در سرزمین جدید را بر زندگی در زادبوم خود ترجیح می‌دهند (کوششی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۹).

در دهه‌های اخیر وقوع تغییرات بنیادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌واسطه توسعه و گسترش فناوری و ارتباطات باعث گردید شیوه اعمال حاکمیت دولت‌ها و راه‌های تأمین نیازهای مادی و معنوی افراد نیز همپای تحولات سریع بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی دچار دگرگونی شود و از آنجاکه هرکس حق دارد بر اساس قواعد حقوقی بین‌المللی کشور خود را ترک یا به کشور خود بازگردد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۱۳) و این جابه‌جایی انبوه جمعیتی و مهاجرت موجبات پیوستگی جهانی بیشتر جوامع را فراهم آورده است ارزش‌ها، هنجارهای بومی و منافع بسیاری از دولت-ملت‌ها را مورد چالش قرار داده است؛ هرچند از زمان تشکیل دولت-ملت‌ها به شکل امروزی تقریباً هیچ‌گونه مهاجرپذیری بدون پیش‌فرض‌های امنیتی و بدون توجه به رویکردهای هویتی و فرصت‌طلبانه صورت نگرفته است و همواره دولت‌ها برای شکار استعداد‌های دیگر جوامع برای سرعت بخشیدن به رشد و توسعه و ارتقای کیفیت جمعیت خود در تلاش بوده و هستند.

آثار مهاجرپذیری در جوامع مختلف یکسان نیست. برخی از الگوهای مهاجرپذیری، مقاومت داخلی را کاهش داده و هویت جامعه میزبان را ناپایدار و متزلزل می‌کند و یا در

مواردی نیز به استحاله هویتی و یا بی هویتی مهاجر منجر می شود که این وضعیت به بی ثباتی در حاکمیت دامن می زند. از سوی دیگر، برخی دیگر از مدل های مهاجرپذیری به تعاملات مثبت فرهنگی و اجتماعی و امنیت پایدار و ارتقای هویت کمک می کنند. در واقع امروزه مهاجرپذیری به عنوان یکی از شیوه های رایج در تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین الملل جایگاه ویژه ای پیدا کرده است، آثار مختلفی هم بر امنیت فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان و حتی جامعه مبدأ برجای می گذارد. به طوری که تأثیر مهاجرپذیری بر هویت جامعه میزبان و اجتماع مهاجران در سطوح و لایه های مختلف فردی- اجتماعی قابل تحلیل بوده و در کانون توجه دولت ها قرار دارد و واحدهای ملی در تلاش اند، با ارتقای منابع و روش های تولید و بازتولید هویت، نفوذ فرهنگی خود را به واسطه بهره گیری از منابع اصیل معنوی و سرمایه ای مهاجران افزایش دهند؛ به ویژه در مهاجرپذیری تحصیلی هدفمند با جذب جوانان مستعد دیگر جوامع که ویژگی هایی همانند افزایش عمق و نفوذ استراتژیک و کارآمدی را داشته باشد، مورد توجه است.

در واقع امروزه مهاجرپذیری هدفمند به ویژه در حوزه جذب نخبگان و پذیرش جوانان مستعد جوامع دیگر از عناصر تحکیم و توسعه قدرت ملی و اقتدار ملی در دولت های امروزی محسوب می گردد. کشورها برای گسترش حوزه نفوذ خود به ویژه در حوزه فرهنگی با آموزش و تربیت اتباع و جوانان دیگر کشورها، این افراد را به عنوان دوستدار سرزمین خود در کشورهای مبدأ به رسمیت می شناسند و ما باید با شناخت فرصت ها و تهدیدهای پذیرش جوانان و افراد مستعد برای تحصیل و فعالیت علمی تخصصی در ایران، برای حضور و اقامت مفید- سود دوطرفه دولت و خدمت پذیری شهروند- علاقه مندان به ایران اسلامی، سیاست های منسجم و راهبردهای مشخصی برای جامعه پذیری مهاجران داشته باشیم. با شناسایی مؤلفه ها و آسیب های هویتی مهاجرپذیری چه برای جامعه میزبان، اجتماع مهاجران و یا افرادی که به واسطه تحصیل در ایران علاقه مند به اقامت می شوند و تصمیم به ادامه زندگی در ایران می گیرند، مقوم هویت «ما» بوده و در راستای تحقق شهروند وفادار باشد. از دیدگاه جامعه شناسانه هم وفاداری، تعلق خاطر و تعهد یک فرد یا عنصر اجتماعی به یک اجتماع ملی و محلی در سرآغاز و نقطه پایان مهاجرت بسیار با اهمیت است که فرد با آن احساس این همانی می کند و آن را هویت می نامند. این احساس بیشتر معطوف به آن کلیت

فرهنگی و اجتماعی است که یک فرد و گروه را از سایر افراد، گروه‌ها و مجموعه‌های انسانی متمایز می‌کند (مصفا، ۱۳۸۵، ص ۷۶). در این بین حفظ ارزش‌های بنیادین در مؤلفه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی از زمینه‌های پایداری و ارتقاء هویتی بوده و به‌مثابه پایه‌های فکری و ایدئولوژیکی جامعه محسوب می‌گردد.

در مجموع مباحثی که پیرامون مهاجرپذیری در کشور ما هم مطرح شده کمتر به مهاجرپذیری تحصیلی و تأثیر آن بر هویت در جامعه میزبان و اجتماع مهاجران پرداخته شده است. همچنین در بسیاری از موارد مقوله باورها و ارزش‌های اجتماعی در رابطه با مهاجرپذیری با مقوله پناهندگان^۱ در محافل علمی و اجرایی خلط شده و بین صاحب‌نظران به غلط منجر به مناقشات علمی و سیاسی گردیده است؛ در حالی که پرداختن به مسئله مهمی همچون مهاجرپذیری تحصیلی و هویت، در تعامل با جهان خارج می‌تواند به‌مثابه مقوله‌ای فرصت‌ساز و یا تهدیدزا در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرد.

هدف اصلی این نوشتار شناخت رابطه بین هویت در سطح ملی و مهاجرپذیری تحصیلی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی هویتی پیش روی جمهوری اسلامی ایران ناشی از آن است و از آنجاکه امروزه به دلیل توسعه ارتباطات، مهاجرت‌ها برای کسب دانش و تبادلات فرهنگی در موارد متعدد رواج بسیاری یافته است، تحقیق و پژوهش درباره تبعات پذیرش طلاب و دانشجویان خارجی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته است. بررسی آثار هویتی در مهاجرپذیری تحصیلی برای جمهوری اسلامی هم از این دست پژوهش‌هاست که با سؤالات متعدد و متنوعی همراه است. طبعاً هر پرسشی بخشی از واقعیت‌های پژوهش را مورد توجه و استناد قرار خواهد داد. سؤالات پژوهش به دو بخش تقسیم می‌گردد: الف) سؤال اصلی: مهاجرپذیری تحصیلی چه تأثیر هویتی در جمهوری اسلامی دارد؟ ب) سؤالات فرعی: مهاجرپذیری تحصیلی چه تأثیری بر شاخص‌های هویت جامعه میزبان دارد؟ همچنین، لازم به ذکر است به دلیل روشن نبودن ابعاد موضوع و اکتشافی بودن جنس و نوع تحقیق، به این معنا که سابقه مطالعاتی در موضوع تحقیق نبوده است که ادبیاتی تولید شده باشد تا ما بتوانیم گام بعدی را در پی آن برداریم لذا ما در گام اول هستیم و بالطبع دارای فرضیه نیستیم. لذا در مقاله حاضر تلاش می‌شود، با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی

تأثیر مهاجرپذیری تحصیلی و هویت ملی در ایران را در سطح اجتماع مهاجران و جامعه میزبان بررسی شود.

روش این تحقیق کاربردی- توسعه‌ای است و هدف آن بررسی تأثیر مهاجرپذیری تحصیلی و هویت ملی در ایران در سطح اجتماع مهاجران و جامعه میزبان است که مورد تحلیل قرار گرفته است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در خصوص این گونه عوامل مطالعات به صورت میدانی انجام شده و گام‌های زیر برداشته شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه آزمون اولیه و تجزیه و تحلیل آن و برطرف کردن پاره‌ای نواقص و اشکالات، تعداد ۶۵ نفر را از لیست اشخاص، صاحب‌نظران، مدیران و خبرگانی که دارای صلاحیت لازم برای اظهارنظر بودند به منظور تکمیل پرسشنامه از دستگاه‌های مختلف شناسایی و به عنوان جامعه آماری از آنان استفاده شده است. گام سوم: با بهره‌گیری از شیوه‌های مصاحبه و مشاوره با سایر صاحب‌نظران در این زمینه سعی شده در ملاقات‌های حضوری و تشکیل جلسات تخصصی مشترک نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شود؛ به طور کلی جامعه آماری مورد نظر به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول، خبرگان و صاحب‌نظرانی که از نزدیک در صحنه‌های عملیاتی و میدانی در دستگاه‌های مرتبط با مهاجرپذیری و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین و جامعه الصطفی قم اشتغال داشته و جامعه مدیران و صاحب‌نظران مرتبط را تشکیل می‌دهند: شامل مسئولان، مدیران، کارشناسان حوزه مهاجرپذیری تحصیلی و جذب دانشجویان و طلاب غیرایرانی. دسته دوم: خبرگان خارج از دستگاه‌ها از جمله اساتید و صاحب‌نظر انتخاب شده‌اند و از مجموع دسته اول و دوم، جمعاً تعداد ۶۵ نفر به عنوان جامعه آماری برگزیده شده که متشکل از مسئولان مؤثر دستگاه‌های مختلف و دانشگاه‌های مربوطه کشور هستند که مسائل مهاجرپذیری را به لحاظ عملیاتی درک کرده باشند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است که تمامی اعضای جامعه شانس مساوی و مستقل برای انتخاب شدن در گروه نمونه را دارند که با توجه به اینکه جامعه کمتر از ۱۰۰ نفر است کل آن مورد نظر واقع شد و مراحل نمونه‌گیری آن عبارت بود از تعریف جامعه، تهیه فهرست اعضای جامعه، انتخاب گروه نمونه با استفاده از روشی که به تصادف تعیین گردیده و بر آن اساس معلوم می‌شد که کدام‌یک از افراد فهرست در گروه نمونه قرار خواهد گرفت. روش مصاحبه عمقی در جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در این مرحله، به ترتیب به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین و جامعه

المصطفی قم، عزیمت شد که طی آن ملاقات‌هایی با اساتید، صاحب‌نظران و مسئولان مرتبط با مباحث مهاجرپذیری هماهنگ و پس از آن نیز در تهران در وزارت کشور، دانشگاه عالی دفاع ملی، وزارت خارجه این روند ادامه یافت.

۱. مبانی نظری

پس از معاهده وستفاليا^۲ و تشکیل دولت-ملت‌های مدرن در دهه‌های اخیر، سیاست مهاجرپذیری دولت‌ها با رویکرد تأمین منافع امنیتی صورت گرفته و همچنان در جریان است. به همین دلیل حوزه امنیت ملی و مهاجرت عموماً از امنیت افراد فراتر می‌رود و در ارتباط هویت ملی و در قلب مفهوم امنیت جای گرفته است. از یکسو به‌عنوان سازوکار امنیت‌ساز مطرح است و از سوی دیگر خود نیز «موضوع امنیت» تلقی می‌شود. به معنای دقیق‌تر در راستای ارتقای امنیت، تهدیدات و ضعف‌های ناشی از مهاجرت کنترل و یا حرکت به سمت کاهش و یا امحای آن‌ها و به معنای موسع حفظ عوامل قوت و فرصت و حرکت به سمت افزایش آن‌ها صورت پذیرد. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به کارکردها و چارچوب‌های حاکم بر فرایند مهاجرپذیری، بین هویت، امنیت و مهاجرپذیری رابطه وجود دارد.

تعریف هویت و امنیت

امروزه مفهوم هویت یکی از کلیدواژه‌هایی است که در امنیت‌سازی و اقتدار نقش بسزایی دارد. حفظ امنیت در دو بعد عینی و ذهنی متبلور می‌شود و نبود تهدید برای ارزش‌های کسب‌شده، یا همان «هویت» امنیت ذهنی و ساختار جامعه را شکل می‌دهد. هویت با مطالعات امنیتی سازه‌انگاران^۳ مربوط به نویسندگان و متفکرانی مانند ایمانوئل آدلر^۴ مایکل بارنت^۵ پیتر کاتزنشتاین^۶ و الکساندر ونت^۷ است، وارد ادبیات امنیتی شد. با دیدگاه‌های آدلر و بارنت که در مجموعه‌ای تحت عنوان اجتماع امنیتی^۸ گردآوری شده است، بسط و گسترش پیدا کرد. آن‌ها در این مجموعه آثار کاردل دوویچ^۹ در مورد اجتماع امنیتی را با سازه‌انگاری اجتماعی ترکیب کرده‌اند و سپس سازه‌انگاری اجتماعی را برای بررسی این منظور که چگونه فرایندهای اجتماعی و جامعه بین‌المللی سیاست‌های امنیتی را دچار تغییر و تحول می‌نمایند، شایسته می‌دانند (Adler and Barentt, p.12)؛ لذا در این بخش برای درک صحیح از مجموعه مباحث

مورد نظر به برخی از تعاریف متعددی که برای هویت و ارتباط آن با امنیت ارائه شده است، به شرح ذیل می‌پردازیم:

وقتی واژه هویت را درباره انسان مطرح می‌کنیم، منظورمان کیستی و چیستی اوست. هنگامی که آدمی در برابر پرسش‌هایی نظیر من کیستم؟ من چیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ و... قرار می‌گیرد، آنگاه موضوع هویت برای او به‌عنوان فرد و در جمع به‌عنوان یک موجود آزاد، خردمند و مختار مطرح می‌شود. برای مفهوم هویت در کتب لغت معانی متعددی هم بیان شده، و از سوی صاحب‌نظران اصطلاح هویت از دیدگاه‌های مختلف و متنوعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با توجه به موضوع بحث این مقاله تعریف برگزیده هویت^۱ به نظر نویسنده، مجموعه‌ای از علائم و آثار مادی، زیستی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ص ۶) و به‌بیان‌دیگر، به تعریف یونسکو، هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی انسان است و می‌تواند به اعمال و تصمیمات فردی و جمعی شکل داده و روندی را به وجود آورد که یک جامعه را در عین حفظ مشخصات خودش، قادر به توسعه بسازد (مصفا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴)؛ بنابراین، هویت در رابطه با فرد مهاجر بدین معناست که در مهاجرت به همراه جابه‌جایی، تغییر در زمینه نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی نیز رخ می‌دهد. مجموعه این عوامل به دگرگونی‌هایی در شخصیت نیز می‌انجامد. پس از مدتی اقامت، فرد به‌نوعی تحت فشار اجتماعی از بیرون و تحت فشار روانی از درون قرار می‌گیرد تا هویت خود را از نو تعریف کند. این سؤال که من که هستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ به نحوی برای فرد مهاجر مطرح می‌شود.

در سطح هویت ملی هم جمع هویت‌های فردی و اجتماعی در محیط ملی، چارچوب سرزمینی دولت مدرن (دولت-ملت) است که به افراد ساکن این حوزه جغرافیایی هویت و تشخیص خاصی می‌بخشد. در واقع هویت ملی بالاترین سطح طبقه‌بندی هویت است (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷). هویت ملی پدیده‌ای است که به ۲۰۰ سال اخیر مربوط است و ریشه آن به غرب و ملی‌گرایی برمی‌گردد. افروغ عناصر هویت ملی را این‌گونه برمی‌شمارد: سرزمین مشترک، منافع مشترک، منافع دفاعی، امنیتی و اقتصادی مشترک، حقوق و دولت مشترک و یک حس روانشناسی فردی و جمعی. چه چیزی آن حس تعلق را ایجاد می‌کند.

هیچ وقت سرزمین به تنهایی حس تعلق ایجاد نمی‌کند. حس، از جنس ارزش و عاطفه است. وقتی که شما در گرو منافع اقتصادی باشید، هیچ وقت به آن حس جمعی که جنبه عاطفی و ارزشی دارد، نمی‌رسید... البته عناصری که برای هویت ملی می‌شمارند، اهمیت دارند؛ ولی باید گفت که ممکن است یک نفر تابعیت ایران نداشته باشد، اما هویت ایرانی داشته باشد. این چنین فردی هر چند در دولت با ما اشتراک ندارد، اما هنوز ایرانی است؛ زبان، فرهنگ و ادبیات وی فارسی است. عده زیادی از کسانی که در مورد هویت ملی بحث می‌کنند، می‌گویند همان عناصری که هویت ایرانی را تشکیل داده، مقدمه‌ای برای هویت ملی شده‌اند. در ایران هویت و حتی هویت کشوری به مراتب سابقه دیرینه‌تری از غرب دارد. غرب تا قرن شانزدهم پراکنده بوده است و مفهوم سرزمین مشترک هم نداشته است؛ در حالی که ما در گذشته نوعی ناسیونالیسم اولیه داشته‌ایم و همان ناسیونالیسم اولیه به ناسیونالیسم مدرن تبدیل شده است که در قالب هویت ملی مطرح می‌شود. «هویت ایرانی هر چند به منزله انگاره سیاسی و مذهبی به ساسانیان برمی‌گردد، اما به عنوان یک انگاره ارضی، قومی و مذهبی سابقه دیرینه‌تری دارد. در آیین زرتشت، ظرفیتی وجود داشته که این را به سیاست و امر سیاسی کشانده است. بعد از اسلام که ایرانی‌ها اسلام را پذیرفتند، در واقع گم‌شده خویش را در شیعه دیدند، شیعه را انتخاب کردند و بدان پروبال دادند و با آن به افتخار رسیدند. هر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری باید به این هویت، به عنوان لایه زیرین، توجه داشته باشد؛ اما نمادها فرق می‌کند. یک زمان، زبان مطرح است و زمانی دیگر دین و در زمان‌های دیگر چیزهای دیگر. هویت یک عنصر و مؤلفه ثابت دارد و یک عنصر متغیر (افروغ، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۳۵).

در سال‌های اخیر مسئله هویت در جوامع مختلف آن‌چنان با اهمیت تلقی شده است که پس از تشکیل دولت سارکوزی در فرانسه، فرانسویان برای نخستین بار با نام وزارتخانه‌ای تحت عنوان «وزارت هویت ملی و یگانه‌سازی اجتماعی» آشنا شدند. تأسیس چنین وزارتخانه‌ای به رغم بحث و جدلهایی که برانگیخت، دور از انتظار نبود. در واقع سارکوزی مسئله اقامت خارجی‌ان و مشکل جایگیر شدن آنان و فرزندانشان را در فرانسه به یکی از موضوع‌های اصلی گفتمان سیاسی خود تبدیل کرده بود و در طی کارزار انتخاباتی‌اش موضوع هویت ملی را نیز به آن افزود و توانست از رأی بسیاری از هواداران راست افراطی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ بهره‌مند شود؛ در حالی که در بیشتر کشورهای پیشرفته سیاست

پذیرش خارجی‌های متقاضی تحصیل را با نگاه تجاری به‌عنوان یک هدف مهم همچنان تعقیب می‌کند و در گذشته هدف خود را از پذیرش خارجی‌های متقاضی تحصیل، کمک به ارتقای دانش کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته اعلام کرده بودند (بزرگمهری، ۱۳۸۵). با گسترده شدن ارتباطات بشری، پیشرفت‌های فناورانه و همگرایی‌های اقتصادی و سیاسی، امنیت ملی به مجموعه عوامل مادی و معنوی گفته می‌شود که به ترجیحات طرف مقابل شکل می‌دهد؛ در حالی که در گذشته امنیت همواره تابعی از قوه قهریه کشورها بوده است. با توسعه حوزه‌های نفوذ قدرت نرم^{۱۱} در روابط بین‌الملل و ترکیب پیچیده آن با عناصر سخت از قبیل توان نظامی و اقتصادی، فضاهاى جدیدی در برابر نظریه پردازان قدرت باز شده تا با بازتعریف منافع ملی و عناصر بومی شکل‌دهنده به امنیت ملی، این مفهوم را از زنگار یک‌جانبه قوای قهریه برهانند و رنگی انسانی‌تر و به‌مراتب هوشمندانه‌تر بدان بزنند. برخی از دانشمندان افزایش توان و قدرت اجزای تشکیل‌دهنده حکومت را که دولت هم جزئی از آن است، عامل اصلی اقتدار و امنیت ملی می‌دانند و برخی ارتباط مستقیمی بین اقتدار، امنیت و منافع ملی برقرار می‌کنند. با رویکرد ساده‌انگارانه موضوعاتی همانند هویت، اقتدار و مقابله با تهدیدات را برای امنیت ملی یک کشور مورد توجه قرار داده و بر این امر تأکید می‌کنند که مهم‌ترین هدف کشورها در سیاست بین‌الملل، «ایجاد درک مشترک امنیتی»^{۱۲} است؛ به‌عبارت‌دیگر، ریشه امنیت ملی در این نگرش بیش از آنکه ماهیت «قدرت‌محور» داشته باشد، بر اساس نشانه‌ها و شاخص‌های هویتی سازمان‌دهی می‌شود و آن را باید پیگیری امنیت‌سازی هویت محور دانست.

بنابراین مسئله هویت در تفکر ساده‌انگارانه نقش محوری داشته و افرادی همانند الکساندر ونت موضوع اقتدار و امنیت را با هویت پیوند داده‌اند. در این ارتباط ونت اعتقاد دارد که تنها شکل تعامل، در درون جامعه و دولت نیست، بلکه در میان پاره‌ای از کنش‌گرانی قرار دارد که با یکدیگر احساس همبستگی کرده و هویت مشترکی را تولید می‌کنند (Wendt, 2000, pp.160-165). به این ترتیب، فرهنگ روابط بین‌الملل در اندیشه سازه‌انگاران در قالب فرهنگی مفهوم پیدا می‌کند که مبتنی بر امنیت دسته‌جمعی و حل اختلافات از طریق صلح‌آمیز است. در این فضا اقتدار ملی را باید انعکاس تجمیع هویت و منافع دانست. البته چگونگی

تولید قواعد برای درک صحیح ترکیب هویت و منافع است؛ و به نظر «اونف» اقتدار و امنیت ملی از طریق تحول ساختاری؛ هویت و منافع شکل می‌گیرد (Onuf, 1994, pp.30-51).

امنیت هویت محور و مهاجرپذیری

در مطالعات امنیتی معمولاً امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. در این رابطه جوامع زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آن جامعه مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد (Waver, 1993, p.25; Buzan and Waver, 1997, p.242)؛ به عبارت دیگر، زمانی امنیت اجتماعی تهدید می‌شود که «مای» یک جامعه مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. بر این اساس، این نوع فهم از امنیت لزوماً در مفهوم هویت و امنیت ملی خلاصه نمی‌شود، و متغیرهای داخلی و خارجی اثرگذار بر جامعه همچون مهاجرفرستی و یا مهاجرپذیری را شامل می‌شود؛ چراکه برخلاف گذشته امروزه، مهاجرت صرفاً به دلیل انگیزه‌های زیستی و بیولوژیک صورت نمی‌گیرد بلکه پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و حاصل فرایند پیچیده تصمیم‌گیری است که و «فرد»، «محیط مبدأ» و «محیط مقصد» در آن شریک‌اند (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۴۳).

در برخی نظریه‌های مهاجرت که عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد را بیان می‌دارند، بر این موضوع اذعان دارند که شدت و تعداد عوامل دافعه در مبدأ، افراد را به آستانه‌های مهاجرتی^{۱۳} سوق می‌دهد و برای رهایی از مسائل و مشکلات مبدأ و یا تبدیل شرایط نامطلوب به مطلوب و بهتر زیستن انگیزه مهاجرتشان تقویت می‌شود، و به دنبال مقصد مورد نظر می‌گردند و مبادرت به مهاجرت می‌نمایند. در این موقع است که جوامع مقصد برای رفع نیازها و اولویت‌هایشان، الگو و مدلی خاص را به‌طور هدفمند و مطابق شرایط خودشان در مهاجرپذیری اتخاذ می‌کنند که به‌طور کلی رویکردهای عمده مهاجرپذیری کشورها را می‌توان به مهاجرت نخبگان و صاحبان مهارت و سرمایه، جامعه مبدأ، و مقصد یا همان میزبان و اجتماع مهاجران طبقه‌بندی کرد؛

در مهاجرت نخبگان، مهاجرت متخصصان محصول نقش‌آفرینی و تعامل مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و این فرایند با نبود

نظام آموزشی و نبود سیاست کارآمد نیروی انسانی در کشور توسعه نیافته تقویت می شود (طایفی، ۱۳۸۰، ص ۸). پیامد این رویکرد کاهش رشد کشورهای فرستنده و افزایش رشد و توسعه کشورهای مهاجرپذیر است. در تکمیل این رویکرد دو گروه نظریات دیگر مطرح است. یک: شکار مغزها^{۱۴} به این معنا که مهاجرت فرایندی نیت مند و داوطلبانه نیست، بلکه پاسخی است که از محدودیت های شغلی و سکونتی ناشی می شود. ماهیت تصمیم گیری عقلانی نیست و ناشی از اثر تهدید و فشار سیاسی و اقتصادی است که این تهدیدات عمده تاً ریشه خارجی دارند؛ و دوم: چرخش مغزها^{۱۵} که مهاجرت ماهران را سرمایه گذاری بالقوه می دانند نه از دست دادن آنها و دانشمندان و تحصیل کرده ها که به خارج مهاجرت می کنند، به عنوان منابع انسانی آموزش یافته در فعالیت های حرفه ای و در شرایط بهتر از آنچه که در کشور مبدأشان به آنها ارائه می شده است، مشغول اند. اگر کشور مبدأ بتواند از این منابع، که به وسیله سرمایه های دیگران شکل گرفته و کامل شده، استفاده کند، نسبت به قبل چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد (چلبی و عباسی، ۱۳۸۳).

برخی صاحب نظران مهاجرت را پدیده ای بیان می کنند که دو سازمان اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد؛ یکی در مبدأ و دیگری در مقصد. جمع مهاجران هم سومین سازمان اجتماعی به حساب می آید که دو سازمان اجتماعی دیگر را از طریق پیوندهای کش متقابل یا از راه مبادلات نمادی به هم ربط می دهند (لهستانی زاده، ۱۳۶۸، ص ۴۶). در واقع کشورها را به دو گروه مهاجرفرست و مهاجرپذیر تقسیم می کنند و کشور مهاجرپذیر دارای مقررات ویژه ای برای ورود و پذیرش مهاجران است که مبتنی بر نیازهای آن کشور است. نیازهای اقتصادی، سرمایه گذاری و نیاز به نیروی متخصص و در ساده ترین شکل آن افزایش جمعیت در جوامعی است که رشد جمعیت منفی می باشد. مسائل مرتبط با شخص «مهاجر»، بعد دیگر مقوله مهاجرت است؛ در واقع مهاجران که به عنوان سرمایه انسانی تلقی می شوند، با صرف هزینه به دست می آیند و جامعه مبدأ به علم، دانش، تخصص و مهارت های فنی آنها نیاز دارد ولی این نیروها به دلایل مختلف، مهاجرت دائمی یا نیمه دائمی را به کشورهای دیگر ترجیح می دهند.

گفته شد که بر اساس نظریه ساده انگاران، امنیت هویتی یا برساخته بودن امنیت بر وضعیت مادی بیرونی دلالت ندارد بلکه مفهومی است اجتماعی، بیناذهنی و معنایی که در

فرایند اجتماعی برساخته شده و قوام می‌یابد. فرهنگ و هویت در این ساخت‌یابی نقش اساسی دارند. همچنین موضوع مهاجرپذیری می‌تواند با استناد به نظریه‌های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و با توجه به تأثیرپذیری مسئله مهاجرپذیری از زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... مباحث نظری متفاوتی را از زوایای مختلف می‌طلبد؛ اما آنچه مسلم است با تقویت هویت امنیت ارتقاء می‌یابد و با تضعیف آن امنیت جامعه با کاهش و خدشه مواجه می‌گردد. لذا هرچه در خصوص تقویت هویت بکوشیم امنیت جامعه رو به پایداری خواهد گذاشت.

دلایل پذیرش مهاجران تحصیلی در کشورها

امروزه سؤال اصلی در مهاجرپذیری تحصیلی این است که دولت‌ها با چه اهدافی مبادرت به پذیرش و ارائه بورس به دانشجویان خارجی می‌کنند؟ در مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، دولت‌ها با اهدافی همچون کسب درآمد، جذب استعدادها درخشان برای جلوگیری از افت سطح علمی و آموزشی جامعه مقصد، تعلیم و تربیت جوانان دیگر ممالک برای گسترش حوزه نفوذ و افزایش عمق استراتژیک فرهنگی و سیاسی و... صورت می‌گیرد و در نگاهی عمیق‌تر به مسئله، با مهاجرت ژن‌های هوشمند^{۱۶} به جوامع مقصد پس از گذشت قرن‌ها از نظر ژنتیکی کشورهای مقصد به جوامع نخبه تبدیل خواهند شد و درصد ژن‌های هوشمند آن‌ها به شکل گسترده‌ای افزایش می‌یابد. لذا در زمینه تولید علم، فن و فناوری همچنان پیش‌تاز خواهند بود؛ در مقابل کشورهای نخبه‌گریز (مبدأ) روزبه‌روز فقیرتر شده و به دلیل همین فقر وابسته‌تر می‌شوند و تعادل جهانی با شدت بیشتری به هم می‌خورد. نبوغ و نخبگی در اثر دو عامل مهم یعنی وراثت که همان ویژگی‌های ژنتیکی افراد است و محیط که شرایط و بستر لازم جهت رشد علمی و عقلی است، حاصل می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که هر نخبه‌ای که از کشور خارج می‌شود، یک ژنوم هوشمند از کشور خارج شده و با زندگی در کشوری دیگر و ازدواج و تولید نسل در آنجا به تکثیر ژن‌های هوشمند آن کشور کمک می‌کند؛ لذا به تدریج درصد ژن‌های هوشمند جوامع نخبه‌پذیر افزایش یافته و در طولانی مدت و پس از گذشت سال‌ها، اختلاف فاحش ژنتیکی بین کشورهای نخبه‌پذیر و نخبه‌گریز ایجاد خواهد شد؛ به گونه‌ای که کشورهای نخبه‌پذیر به جوامعی نخبه تبدیل می‌شوند و جوامع

نخبه‌گریز با کاهش ژن‌های هوشمند خویش، به تبعیت بی‌چون و چرا از جوامع نخبه‌پذیر، تن در داده و اداره امور جامعه با اتکاء به افرادی انجام خواهد شد که از ضریب هوشی کمتری برخوردار هستند که این امر به عقب‌ماندگی کشور خواهد انجامید (زلفی گل، ۱۳۸۲).

کشورهای نخبه‌پذیر، نخبگان دیگر کشورها را با هر دین و آیینی می‌پذیرند و نه تنها از هوش و استعداد و توان ایشان در توسعه علمی، فنی و صنعتی خویش استفاده می‌کنند بلکه ذخایر ژن‌های هوشمند خویش را برای نسل‌های آتی افزایش داده و آینده روشنی را برای ایشان ترسیم می‌کنند؛ یعنی به‌طور کاملاً طبیعی اصلاح ژنتیکی انجام می‌دهند، در نتیجه با یک تیر دو نشان را هدف قرار می‌دهند. لذا نسل‌های آینده در کشورهای نخبه‌پذیر برای برآوردن نیازهای خویش نه تنها مشکلی ندارند بلکه با سهولت بیشتری توسعه پایدار کشور خود را دنبال خواهند کرد؛ به عبارت دیگر، سیاستمداران کشورهای نخبه‌پذیر مهم‌ترین «ثروت ملی» خود، یعنی نخبگان را چند برابر افزایش می‌دهند. حفظ منابع و ذخایر ژنتیکی هوشمند، کافی، مناسب و همچنین حفظ منابع و ذخایر مادی خود از یک طرف و استفاده از ذخایر و منابع مادی کشورهای در حال توسعه و ناپروردار از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و سرانه ثروت ملی بین کشورهای نخبه‌پذیر و نخبه‌گریز را افزایش می‌دهند (زلفی گل، ۱۳۸۲).

مهاجرپذیری تحصیلی و هوش در جمهوری اسلامی ایران

در منافع اقتصادی مهاجرپذیری تحصیلی، برای مثال، ۵۰ درصد دانشجویان خارجی دنیا از قاره آسیا هستند که از میان این دانشجویان ۴۴ درصد جذب دانشگاه‌های آمریکا می‌شوند و آمریکا نیز سالانه ۱۸ میلیارد دلار از این بابت درآمدزایی دارد. این درآمد تنها مربوط به شهریه سالانه دانشجویان است. ارزش تولیدات علمی این دانشجویان این رقم را بسیار افزایش می‌دهد و به همین دلیل است که معمولاً آمریکا دوران تحصیل طولانی‌تری را برای دانشجویان خارجی در نظر می‌گیرد. با کاهش دانشجویان خارجی در آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، تنها کشوری که از این موقعیت استفاده کرد، مالزی بود که توانست تعداد دانشجوی خارجی خود را به ۱۰۰ هزار نفر برساند؛ و یا کانادا از سال ۱۹۹۶ جذب دانشجوی خارجی خود را دو برابر کرده است (ضرغام، ۱۳۸۹). همچنین در راستای توسعه دانشگاه‌های بین‌المللی عربی تحت عنوان دهکده دانایی، طی سال‌های اخیر مراکز متعدد آموزش عالی برای جذب دانشجویان خارجی به‌ویژه جوانان ایرانی راه‌اندازی و فعال شده‌اند. دانشگاه‌های برخی کشورها همچون هاوایی، استرالیا، نیوزلند و لندن با آگاهی از مزایای اقتصادی و

اجتماعی در زمینه عقد قرارداد با کشورهای حوزه خلیج فارس و مناطق آزاد و توسعه آموزش از راه دور فعال شده و سالیانه با اخذ شهریه‌های بالا دانشجویان متعددی جذب می‌کنند (شهریاری، ۱۳۸۳). فلیپ جی. آلت‌باش با اشاره به رقم یک میلیون و هشتصد هزار دانشجوی خارجی در سال ۲۰۰۳ در سطح جهان و ارقام نجومی سود آن، مدعی می‌شود تجارت مذکور به اقتصاد آمریکا نزدیک به ۱۱ بیلیون دلار و به اقتصاد استرالیا برابر ۲/۶ بیلیون دلار تزریق کرده است. قابل توجه بودن این نرخ سود در حدی است که اداره مهاجرت آمریکا در گزارشی اثر مخرب حوادث یازده سپتامبر و سخت‌گیری‌های حاصل از آن را مورد انتقاد قرار داده و اظهار داشته که چنین سخت‌گیری‌هایی روند روبه‌رشد تحصیل دانشجویان خارجی در آمریکا را شدیداً تحت شعاع قرار داده است (بزرگمهری، ۱۳۸۵).

در واقع امروزه در دنیا کشورها علاوه بر منافع اقتصادی، یکی از ابزارهای توسعه امنیت و اقتدار خود را بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تربیتی منابع انسانی می‌دانند. به‌زعم ژوزف نای یکی از منابع قدرت نرم فرهنگ است و علم و دانایی که از نمودهای فرهنگ عالی مورد علاقه نخبگان و دانشگاهیان است، نقش مهمی در افزایش قدرت نرم بر عهده می‌گیرد (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲). بسیاری از فلاسفه سیاسی هم، دانش‌مداری را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم مورد توجه قرار داده‌اند (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴). دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین قسمت از نظام آموزشی نقش مؤثری در تحولات فرهنگی و به‌تبع آن مؤلفه مهمی در قدرت نرم محسوب می‌شود. یکی از منابع قدرت نرم ایالات متحده آمریکا که نقش به‌سزایی در ارائه یک تصویر جذاب و گیتی‌پسند برای این کشور ایجاد می‌کند، نظام دانشگاهی قدرتمند این کشور است. در این رابطه نای می‌گوید: «یکی از عناصر افزایش‌دهنده قدرت نرم آمریکا مبادلات علمی در دانشگاهی بوده است» (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲). از ۱/۶ (یک میلیون و ششصد هزار) دانشجویی که در خارج از کشورشان ثبت‌نام کرده‌اند حدود ۲۸٪ در ایالات متحده است. کالین پاول وزیر خارجه اسبق آمریکا گفته بود: میلیون‌ها نفری که در طول سال‌ها در آمریکا تحصیل کرده‌اند، گنجینه ارزشمندی از حسن نیت را برای کشورمان تشکیل می‌دهند (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲). به‌این ترتیب، از نظر نای مبادلات علمی و دانشجویی یکی از راه‌های شناخته‌شده فرهنگ علمی و ارزش‌های اخلاقی یا شیوه زندگی آمریکایی در دنیا است. البته این مسئله یک روی سکه است، روی دیگر سکه کمک بزرگی

است که تحقیق و تبعات علمی این دانشجویان به افزایش قدرت ملی این کشورها کمک می‌کند. مطابق واقعیت جهان امروز، چهره‌های جدیدی از قدرت ظهور یافته است، به طوری که بسیاری از دانشمندان عصر حاضر را دوران گذار از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی می‌دانند. در حقیقت نظام آموزش عالی قدرتمند هم با این دیدگاه نقش یک منبع با ارزش افزوده بالا را در قدرت نرم کشورها بازی می‌کند؛ بنابراین اتخاذ سیاست مهاجرپذیری تحصیلی علاوه بر مزایای فوق‌الذکر که فی‌الذمه حائز اهمیت و قابل طرح بوده افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل نیز قابل توجه است.

مهاجرپذیری تحصیلی در جمهوری اسلامی

در جهان امروز انواع مهاجرت‌ها و مدل‌های مختلفی برای مهاجرپذیری وجود دارد، از تأکید بر رابطه خویشاوندی گرفته تا جذب و شکار نخبگان در جهت تحکیم و توسعه کشورها استفاده می‌شود. در جمهوری اسلامی هم تلاش‌هایی شده است که از سرمایه‌های مالی و انسانی مهاجران و علاقه‌مندان به مهاجرت به ایران بهره‌برداری شود. آموزش عالی در ایران در سال‌های اخیر از رشد و توسعه زیادی برخوردار بوده است، درحالی‌که کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته برای بهره‌مندی از منابع انسانی نخبه و ارزشمند، همواره در تلاش‌اند تا با جذب و پذیرش هدفمند و آموزش مهاجران، و به‌ویژه اجازه اقامت به جوانانی که با اختیار و آگاهی دارای دانش، مهارت، تخصص و سرمایه مورد نیاز جامعه میزبان هستند و یا علاقه‌مند به ادامه تحصیل و زندگی، نفوذ سیاسی فرهنگی خود را گسترش دهند و امنیت ملی خود را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیگر ممالک ارتقاء بخشند. به همین مناسبت پس از انقلاب اسلامی ایران برای گسترش و ترویج اندیشه‌های ایرانی - اسلامی جذب طلاب و دانشجوی خارجی در دستور کار قرار گرفت و رایج گردید. مشخصاً دو مرکز جامعه المصطفی در شهر قم و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) در شهر قزوین جذب و آموزش این گروه از مهاجران را عهده‌دار شدند.

باید توجه داشت تأکید رهبران انقلاب اسلامی مبنی بر استفاده از علم و توسعه علمی کشور و همچنین، تقویت بنیان علمی مسلمانان و مستضعفان جهان که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت، بی‌تردید ناشی از ارج و منزلتی بود که اسلام از بدو ظهور

برای همه گونه علوم و فنون نظری و کاربردی در همه رشته‌ها قائل بود. بند ۶ از اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی را «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» دانسته که «از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها... تأمین می‌کند». طبق اصل ۳ نیز دولت جمهوری اسلامی موظف شد که برای دستیابی به این هدف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها» (بند ۱) و «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت» اقدام کند. به این ترتیب از نظر جمهوری اسلامی ایران علوم و فنون وسایلی مادی برای نیل به هدف دینی که همان کرامت و ارزش والای انسانی باشد، بوده است (نوازی، ۱۳۸۸).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، علم جایگاه ویژه و اهمیت بالایی در «صدور انقلاب» دارد تا آنجا که چنین اعلام می‌دارد: «یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند، با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود». این موضوع در گفته‌های یک سردار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تناسب بیشتری با موضوع بحث ما پیدا کرده است. وی در مصاحبه‌ای اعلام کرد «سنگر علم مهم‌ترین سنگری است که امنیت جامعه ما را در دنیای کنونی تأمین می‌کند» (اصلائی، ۱۳۸۵).

معرفی فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگ‌ترین حامی علم و عالم در جهان بوده است و احیاء شیوه تعلیمی و تربیتی آن، بهره‌گیری از علوم و فنون بر اساس موازین اسلامی، تربیت متخصصان متعهد به منظور بی‌نیازی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف از جوامع مستکبر و سلطه‌جو، عالمان غیرمسلمان و غیر متعهد، گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام، نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی، برقراری ارتباط با شخصیت‌ها و مراکز علمی جهان به‌ویژه شخصیت‌ها و مراکز اسلامی، کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور، از اهداف پذیرش دانشجویان غیرایرانی مهاجرپذیری جمهوری اسلامی است که در قانون تأسیس «قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» در ۲۴ ماده و ۵ تبصره در جلسه ۱۹ دی ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۲۹ دی ۱۳۶۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

در آیین نامه ۱۶ ماده‌ای که با امضای وزیران وقت علوم و بهداشت در اردیبهشت ۱۳۸۵ به امضا رسیده است، با تأکید بر «کارکرد راهبردی» آموزش در «رقابتی گسترده و با ژرفایی عمیق و پهنایی وسیع میان دولت‌ها»، هدف از اعطای بورس تحصیلی را «جذب هرچه بیشتر نخبگان، دانشمندان و کارشناسان سایر کشورها در جریان» این رقابت دانسته و مسئولیت «جمهوری اسلامی به‌عنوان ام‌القرای مسلمین» را «خطیر و بس سنگین» و آن را فراتر از گذشته در «حمایت از جوانان مستعد به‌ویژه جوانان کشورهای اسلامی عنوان کرده است. به این ترتیب و به لحاظ نظری جمهوری اسلامی دیگر خود را محدود به پذیرش داوطلبان مسلمان نکرده و دایره فعالیت خود را گسترده‌تر می‌کرد تا بتواند دانشجویان غیرمسلمان را نیز جذب نماید. گذشته از این در فعالیت‌های فرهنگی خود به زبان فارسی و گسترش فرهنگ ملی نیز توجه خاصی مبذول می‌کرد؛ همان کاری که در عمل از سال‌ها پیش آغاز کرده بود. در ماده ۱ این آیین‌نامه اهداف این سیاست بدین شرح اعلام شده است: ۱) گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد و تقویت کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی ۲) گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان، ۳) حمایت از جوانان مستعد کشورهای اسلامی، ۴) فراهم کردن بستر مناسب برای شناساندن بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی، ۵) معرفی، نشر و توسعه فرهنگ ایرانی اسلامی، ۶) کمک به رشد و توسعه بهداشت و درمان در کشورهای اسلامی و در حال توسعه، ۷) تربیت متخصصان متعهد به منظور کمک به خودکفایی علمی کشورهای اسلامی.

همچنین در بخش علوم اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی، مشتاقان فراگیری معارف اهل بیت (ع) از کشورهای مختلف جهان افزایش یافت و توجه بیش‌ازپیش مسئولان و بزرگان حوزه را به خود جلب کرد. به‌منظور پاسخگویی به این اشتیاق و سامان بخشیدن به امور طلاب غیر ایرانی، شورای سرپرستی تحت همین عنوان، در حوزه علمیه قم، تأسیس شد و در مدرسه «حجتیه» فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۶۵، اصلاحاتی در ساختار این شورا صورت گرفت، و با عنوان «مرکز جهانی علوم اسلامی» به ثبت رسید. مرکز تا سال ۱۳۷۲، به‌صورت شورایی غیرمتمرکز اداره می‌شد و از آن تاریخ، با انتصاب مدیر از سوی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مدیریت آن تحت نظارت دفتر ایشان قرار گرفت و در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را عهده‌دار شد.

برابر اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، هدف از تأسیس مرکز مذکور، معرفی و اشاعه فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی (ص)، با استفاده از روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، عنوان شده و اموری همچون موارد ذیل جزء وظایف اساسی این مرکز شمرده شده است: الف) تربیت مبلغ معارف اسلامی، مدرس و محقق علوم حوزوی؛ ب) اداره و سرپرستی طلاب غیر ایرانی شاغل به تحصیل در جمهوری اسلامی ایران؛ ج) کلیه مدارس و حوزه‌های علمیه داخل کشور که به تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی اشتغال دارند، تحت پوشش «مرکز جهانی علوم اسلامی» فعالیت خواهند کرد؛ بنابراین تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی منحصراً در صلاحیت این مرکز قرار گرفت (ابراهیمی، ۱۳۸۲).

پس از گذشت مدتی که نقاط قوت و ضعف، مرکز جهانی علوم اسلامی مشخص شد با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، زمینه‌های نوسازی سامانه جذب و تعلیم طلاب غیرایرانی فراهم گردید و جامعه المصطفی با شیوه‌ها و روش‌های جدیدتر پیگیر اهداف عالی نظام در تربیت و گسیل طلاب غیرایرانی را عهده‌دار شد؛ به طوری که مقام معظم رهبری در توصیف این مرکز برای طلاب غیرایرانی آن را فرصت بزرگی برای ایشان عنوان می‌کند و می‌فرماید: (۱۳۹۰/۷/۲۴) «شما امروز این فرصت بزرگ را در جمهوری اسلامی، در عاصمه علمی قم، در جامعه مبارک «المصطفی» دارید که با این معارف آشنا شوید؛ «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» (توبه: ۱۲۲)؛ خود شما بتوانید نورافکنی شوید که فضا را روشن می‌کند. امروز دنیای اسلام به این نیاز دارد. البته شما در اینجا در غربت زندگی می‌کنید. اگرچه اینجا خانه شماست، اما از اهل خود، خویشان خود، خانواده خود دورید. سختی‌هایی دارید، مشکلاتی دارید؛ خودتان، همسرانتان، خانواده‌هایتان مشکلاتی دارند؛ اما ایستادگی کنید. خداوند متعال در اول بعثت پیغمبر چند خط اساسی را جلوی پای رسول گرامی خود گذاشت که با توجه به این چند خط و چند جهت‌گیری مهم، پیغمبر اکرم بتواند این بار سنگین بی‌ظنیر را تحمل کند. یکی از این خطوط، صبر بود: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»؛ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَتَيَّا بَكَ فَطَهِّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر: ۱-۷). خداوند متعال خط صبر را جلوی پیغمبر گذاشت. باید صبر کرد. صبر یعنی پایداری، یعنی خسته نشدن، یعنی مغلوب مشکلات نشدن.

مقام معظم رهبری در بیاناتی دیگر، آینده مطلوب و ایدئال را برای جوانانی که برای تحصیل علم به جمهوری اسلامی آمده‌اند، ترسیم می‌کند و با فرصت دانستن تنوع فرهنگی و هویتی طلاب و دانشجویانی که از اقصی نقاط دنیا برای تحصیل علوم دینی به ایران آمده‌اند، به ایشان می‌فرماید: اینجا یک فرصت بزرگی است برای شما. از ملیت‌های مختلف، از کشورهای مختلف در اینجا جمع شده‌اید. هر یک از شما این فرصت را دارد که با برادران مسلمان خود و فرهنگ‌های بومی آن‌ها در این محیط آشنا شود: «...گلچین‌های ملت‌ها در اینجا جمع شده‌اند. با یکدیگر آشنا شوید، یکدیگر را بشناسید. فرهنگ‌های یکدیگر را، آرزوهای یکدیگر را، اهداف بلندی را که می‌توان در برادران ملت‌های گوناگون سراغ گرفت، این‌ها را از یکدیگر یاد بگیرید؛ مسلمان یک جامعیتی پیدا می‌کند. این خیلی فرصت بزرگی است برای شما؛ این فرصت در جای دیگری پیش نمی‌آید. یک هسته بین‌المللی علمی اسلامی در اینجا تشکیل شده است. با نشستن شماها در کنار هم، تنفس شماها در فضای واحد، آشنایی شما با یکدیگر، یک هسته اولیه جامعه بین‌المللی علمی اسلامی در اینجا تشکیل می‌شود؛ از این فرصت حداکثر استفاده را بکنید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

بنابراین یکی از اهداف برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران این است که تا پایان برنامه حداقل ۲۵ هزار دانشجو از کشورهای هم‌جوار و جهان اسلام در دانشگاه‌های کشور جذب شوند^{۱۷} (نادری‌منش، ۱۳۹۱) که هم‌اکنون ۲۸ هزار و ۳۰۰ دانشجوی در دانشگاه‌های داخل کشور مشغول تحصیل هستند که از این تعداد ۱۶ هزار دانشجو در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم مشغول تحصیل هستند. همچنین دو هزار و ۲۷۰ نفر به‌صورت بورسیه، دوهزار نفر به‌صورت آزاد (شهریه را خود پرداخت می‌کنند) و ۱۱ هزار نفر از طریق کنکور سراسری و ۵۵۰ نفر به‌صورت بورسیه وابسته به وزارتخانه در دانشگاه‌های داخل مشغول تحصیل هستند. این تعداد دانشجویان از ۹۲ کشور جهان در دانشگاه‌های داخل کشور مشغول تحصیل هستند (صدیقی، ۱۳۹۲). ما نیز برای پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی و فرصت‌های قابل حصول و مقابله با تهدیدات احتمالی در حوزه فرهنگی اجتماعی که ناشی از مهاجرپذیری باشد، محتاج شناخت خوب و سنجیده اندیشه و رفتار امروزان هستیم که برای برخورد با چالش‌های فراروی، باید امروز شروع به بسترسازی و زمینه‌چینی کرد تا آینده مطلوب ساخته شود. چراکه اگر تعاریف و مفاهیم

فرهنگی مان امروز در داخل و دوستانرمان در خارج تثبیت نشود، معلوم نیست در آینده با چه وضعی روبه‌رو خواهیم بود؛ اما آنچه که مسلم است با توجه به اسناد بالادستی، برای حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی مان ویژگی‌های راهبردی مهاجرپذیری تحصیلی در جمهوری اسلامی ایران باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. توجه اصولی به آرمان‌ها و ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران
۲. از آنجاکه بنیان نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های دینی نهاده شده است، و باید توجه به جایگاه رفیع دین و مذهب را در اولویت خود قرار دهد.
۳. قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به‌عنوان اصلی‌ترین اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردند که در الگو و راهبردهای مهاجرپذیری اهداف اسناد بالادستی فوق مورد توجه قرار می‌گیرند.
۴. با توجه به اینکه مهاجرپذیری تحصیلی در جمهوری اسلامی ایران دارای مؤلفه‌های گوناگونی نظیر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی - فناوری، فرهنگی - اجتماعی، و غیره است، مؤلفه فرهنگی و راهبردهای مدنظر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

بنابراین در امنیت هویت محور، شناخت نظام‌مند تهدیدات ناشی از مهاجرپذیری تحصیلی مورد نظر است که تأثیر بسزایی بر جامعه میزبان، سازگاری و جامعه‌پذیری مهاجران دارد. در سند چشم‌انداز که جامع دیگر اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی است، در افق آینده: «جامعه ایرانی، امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت ترسیم شده و در بخش دیگر تمسک به تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) مورد نظر قرار گرفته است». در قانون اساسی هم، به‌ویژه در مقدمه آن و در شرح «شیوه حکومت در اسلام» حداقل پنج بار از اسلام به‌عنوان مکتب یاد شده است و مکتب اسلام در ساختار این حکومت جایگاه ویژه‌ای دارد. این بدان معناست که در نظریه امنیتی جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای این نظام، تهدیدی است که هویت ایدئولوژیک آن را به خطر می‌اندازد؛ یعنی ایدئولوژی که برآمده از دین اسلام است؛ و چنانچه تهدیدی نظامی یا اقتصادی یا... بتواند خود را به سطح تهدید هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برساند، آن تهدید را می‌توان یک تهدید امنیتی محض دانست (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲).

یافته‌های پژوهش انجام‌شده

در تحقیق جامعی که توسط نگارنده طی دو سال برای شناسایی تأثیر هویت و مهاجرپذیری صورت پذیرفته است، پاسخ‌های ذیل برای پرسش‌های تحقیق از داده‌های جمع‌آوری شده یافت شد. البته گفتیم که پژوهش مذکور اکتشافی بوده و با رویکرد توصیفی - تحلیلی جهت ارائه راهبرد مناسب در حوزه مهاجرپذیری انجام پذیرفته است. این پژوهش در حوزه پذیرش دانشجویان و طلاب غیرایرانی مورد آزمون قرار گرفته است و خبرگان، مسئولان و متولیان مربوطه در وزارت امور خارجه، علوم، اداره کل امور اتباع خارجه و مهاجرین وزارت کشور و دانشگاه‌های بین‌المللی امام خمینی(ره) قزوین و جامعه المصطفی قم، و اساتید و صاحب‌نظران حوزه مهاجرپذیری تحصیلی شناسایی شدند که مطابق روش‌های رایج علمی از تعداد مشخصی از آن‌ها سؤالات تحقیق پرسیده شد، که نتایج اجمالی به دست آمده از عوامل مؤثر مهاجرپذیری در جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه فرهنگی - اجتماعی در سطح تأثیرپذیری اجتماع مهاجران و جامعه میزبان و اثربخشی آن به شرح ذیل است:

مهاجرپذیری تحصیلی چه تأثیر هویتی در جمهوری اسلامی دارد؟ سؤالات فرعی: مهاجرپذیری تحصیلی چه تأثیری بر شاخص‌های هویت جامعه میزبان دارد؟ شاخص‌های هویت در جمهوری اسلامی چه تأثیری بر اجتماع مهاجران تحصیلی دارد؟ در مجموع، ۵۹/۸ درصد از پاسخگویان سطح تأثیرپذیری عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مهاجرپذیری در جمهوری اسلامی ایران را در سطح جامعه میزبان و ۴۰/۲ درصد در سطح اجتماع مهاجران ارزیابی کرده‌اند؛ و اغلب پاسخگویان اعلام کردند عوامل «تغییر در سبک زندگی ایرانی اسلامی»، «وحدت ملی (هویت ایرانی و اسلامی)»، «تضعیف نهاد خانواده»، «تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی»، «تهاجم فرهنگی (ابعاد آشکار تهاجم)»، «حمایت خارجی از تجزیه‌طلبی قومی و بحران هویت ملی»، «تأثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای غربی»، «اعتماد اجتماعی»، «کم‌توجهی به کرامت و منزلت اساتید»، «کم‌توجهی به مدیریت واقع‌بینانه در حوزه‌های فرهنگی اجتماعی»، «نامناسب بودن آمایش جمعیتی»، «ضعف در تحقق مطلوب عدالت اجتماعی»، «افزایش امید به زندگی ایرانیان»، «ضعف در نهادهای روایتگر هویت‌ساز»، «ضعف مدیریت خرده‌فرهنگ‌های معارض»، «تشدید اختلافات دینی و مذهبی»، «تهدیدات نرم (ابعاد نامرئی و پنهان تهاجم)»، «زمینه‌ها و بسترهای اشاعه و تحمیل فرهنگ بیگانه»،

«استقرار اقوام در نزدیکی مرزهای کشور»، «وجود نظام سلامت مناسب»، «ضعف در حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین»، «افزایش سطح سواد عمومی و تحصیلات عالیه»، «ضعف در قانون‌گرایی، قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری»، «ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی-اسلامی»، «آمیختگی تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی»، «توسعه مراکز فرهنگی و اجتماعی»، «ولایت و امامت و مرجعیت»، «وجود ذخایر و مفاخر علمی و ادبی در تاریخ ایران» و «ناتوانی نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ملی و دینی»، به ترتیب، بیشتر در سطح جامعه میزبان تأثیرگذار هستند.

اغلب پاسخگویان عوامل، ظرفیت بالای هویت‌سازی زبان فارسی، گستره حوزه تمدنی ایران، «وجود ظرفیت‌های غنی برای جهانی شدن هویت ایرانی-اسلامی، نمادها و آیین‌های دینی و ملی (حج، عاشورا، نوروز و...)، موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان، الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگ و اجتماعی، توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌ها، شرایط مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران و غنای زبان و ادب فارسی را به ترتیب، بیشتر در سطح اجتماع مهاجران تأثیرگذار دانستند. از دیدگاه اکثر پاسخگویان، عوامل «منابع اعتباری و ساختاری و نهادی متعدد در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی» و «شبکه‌های مجازی و هویت ایرانی»، در هر دو سطح جامعه میزبان و اجتماع مهاجران تأثیرگذار است. در مجموع، ۵۸/۵ درصد از پاسخگویان دامنه اثربخشی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مهاجرپذیری در جمهوری اسلامی ایران را در حوزه داخلی (کارآمدی) و ۴۱/۵ درصد در حوزه خارجی (نفوذ) ارزیابی کرده‌اند.

بیشترین پاسخگویان معتقدند دامنه اثربخشی عوامل «تضعیف نهاد خانواده»، «تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی»، «نامناسب بودن آمایش جمعیتی»، «کم‌توجهی به مدیریت واقع‌بینانه در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی»، «حمایت خارجی از تجزیه‌طلبی قومی و بحران هویت ملی»، «تغییر در سبک زندگی ایرانی-اسلامی»، «زمینه‌ها و بسترهای اشاعه و تحمیل فرهنگ بیگانه»، «تأثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای غربی»، «تهاجم فرهنگی (ابعاد آشکار تهاجم)»، «اعتماد اجتماعی»، «ضعف در تحقق مطلوب عدالت اجتماعی»، «وجود نظام سلامت مناسب»، «ضعف در حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین»، «کم‌توجهی به کرامت و منزلت اساتید»، «ضعف در قانون‌گرایی، قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری»، «افزایش

سطح سواد عمومی و تحصیلات عالی»، «افزایش امید به زندگی ایرانیان»، «ضعف در نهادهای روایتگر هویت‌ساز»، «استقرار اقوام در نزدیکی مرزهای کشور»، «ضعف مدیریت خرده‌فرهنگ‌های معارض»، «ناتوانی نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ملی و دینی»، «تشدید اختلافات دینی و مذهبی»، «تهدیدات نرم (ابعاد نامرئی و پنهان تهاجم)»، «وحدت ملی (هویت ایرانی و اسلامی)»، «توسعه مراکز فرهنگی و اجتماعی» و «شبکه‌های مجازی و هویت ایرانی»، به ترتیب، بیشتر در حوزه داخلی (کارآمدی) است.

همچنین اکثر پاسخگویان معتقدند دامنه اثربخشی عوامل «وجود ظرفیت‌های غنی برای جهانی شدن هویت ایرانی-اسلامی»، «گستره حوزه تمدنی ایران»، «ظرفیت بالای هویت‌سازی زبان فارسی»، «موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان»، «الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگ و اجتماعی»، «توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌ها»، «غناي زبان و ادب فارسی»، «نمادها و آیین‌های دینی و ملی (حج، عاشورا، نوروز و ...)»، «شرایط مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران»، «وجود ذخایر و مفاخر علمی و ادبی در تاریخ ایران»، «منابع اعتباری و ساختاری و نهادی متعدد در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی» و «آمیختگی تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی»، به ترتیب، بیشتر در حوزه خارجی (نفوذ) است. از دیدگاه پاسخگویان، دامنه اثربخشی عوامل «ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی-اسلامی» و «ولایت و امامت و مرجعیت» در هر دو حوزه داخلی (کارآمدی) و خارجی (نفوذ) از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جمع‌بندی

با توجه به اهداف و اصول مذکور در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگی-اجتماعی، جامعه ایرانی در پذیرش مهاجر و اعطاء اقامت و تابعیت باید نقطه آرمانی امنیت خود را بر اساس رشد و تعالی که منبعث از آموزه‌های دینی و فرهنگی اسلامی است، طراحی نماید؛ از این رو ایجاد فضای سازگاری مهاجران با جامعه میزبان و هم‌افزایی بین فرهنگ و هویت اسلامی و ایرانی از جمله اهداف مورد نظر خواهد بود. بدین‌سان کلیدواژه‌های اسلامی-ایرانی در کنار وجود ظرفیت‌های غنی برای جهانی شدن هویت ایرانی-اسلامی، الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگ و اجتماعی، و موقعیت ویژه اسلام و تشیع

در منطقه و جهان، موجب ایجاد شرایط مناسب فرهنگی و اجتماعی شده و سرمایه‌ها و اعتماد اجتماعی، وحدت ملی (هویت ایرانی و اسلامی) را در چارچوب جامعه‌ای با انضباط اجتماعی و حاکمیت اخلاق در جامعه همراه با روح تعاون و سازگاری اجتماعی از سوی اجتماع مهاجران و جامعه میزبان تلفیق می‌کند.

از آنجاکه اسناد بالادستی به‌ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی به مبانی و اصولی توجه کرده که برای تحقق آن‌ها، لاجرم باید عواملی که می‌توانند منجر به کارآمدی در داخل و نفوذ در خارج شوند مورد عنایت قرار گیرند؛ و راهبردهای مناسب برای حفظ و ارتقاء هویت ایرانی - اسلامی ما در ارتباط با مهاجرپذیری تحصیلی جمهوری اسلامی ایران باید مؤلفه فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان مرکز ثقل هویت‌ساز نظام همچنان مورد توجه است؛ عواملی چون ولایت، امامت، مرجعیت، وجود اسلام و تشیع، حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین، سازمان اداری مناسب و هم‌افزا، نفوذ اسلام و تشیع در جهان و دیگر عناصر هویت ایرانی اسلامی، مدنظر هستند.

نکته پایانی اینکه موقعیت سرزمینی ایران و جامعه در حال خیزش به سمت توسعه و پیشرفت در ابعاد و حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های فرهنگی، علمی و فناوری، لزوم بهره‌مندی از تمامی توانمندی‌های ذهنی و عینی موجود داخلی و حتی خارجی را ایجاب می‌کند. این مهم، هم در مورد به فعل رساندن و به‌کارگیری نیروهای بالقوه داخلی و هم در مورد ضرورت پیوند و همکاری میان نیروهای داخل و خارج از کشور مشهود است. اهمیت این مسئله با توجه به عنادورزی و تحریم‌هایی که جامعه ایران به‌ویژه در حوزه علم و فناوری با آن مواجه است دوچندان می‌گردد و لزوم بهره‌مندی از تمامی دارایی‌ها و منابع علمی و فرهنگی داخلی و خارجی در جهت تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران در قالب جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، توسعه دانایی محور و تحقق اهداف متعالی سند چشم‌انداز بیست‌ساله را علی‌رغم همه ناملایمات گوشزد می‌کند. البته علاوه بر ضرورت بهره‌برداری از منابع انسانی، علمی و سرمایه‌های داخلی و خارج از کشور، هوشیاری و لزوم حراست از هویت دینی و ملی جامعه برای مقابله با آسیب‌های احتمالی به هویت از اولویت‌هایی است که می‌تواند از طریق ایجاد پیوند هوشیارانه میان منابع موجود داخلی و خارجی محقق گردد.

۱. پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد، خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد، یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد (رک. هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، بخش کنوانسیون‌ها، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، بند الف ماده یک)، البته این کنوانسیون، تنها درباره کسانی که پیش از سال ۱۹۵۱ م. آواره شده‌اند، حقوقی را متذکر شده، ولی در پروتکل آن، که در سال ۱۹۶۷ م. تصویب شده است، همه آوارگان را مشمول این کنوانسیون دانسته‌اند (رک. همان، بخش پروتکل‌ها).

2. Westphalia
3. constructivist security studies
4. Emanuel Adler
5. Micheal Barentt
6. Peter Katzenstein
7. Alexander Wendt
8. Security Communities
9. Karl Deutsch
10. identity
11. soft power
12. common norms security building

۱۳. «آستانه مهاجرتی» نقطه‌ای است که فرد احتمالاً در آن نقطه از نظر روحی، روانی و دیگر ویژگی‌های فردی از موطن خویش - حداقل از نظر پیوندهای فکری - گسسته شده و از آن به بعد در تلاش برای بومی‌گزینی جدید است.

14. hunting brain
15. brain circulation
16. brainy genes migration

۱۷. ماده ۲۰ - الف. به منظور زمینه‌سازی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی دولت مجاز است: ... تبصره ۲، بند ط؛ به دانشگاه‌ها اجازه داده می‌شود بخشی از ظرفیت آموزشی خود را از طریق پذیرش دانشجوی خارجی با دریافت شهریه تکمیل کنند.

در موارد خاص به منظور ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی پذیرش دانشجوی خارجی با تصویب هیئت امناء بدون دریافت شهریه یا با تخفیف، مجاز است.

کتابنامه

قرآن مجید.

- ابراهیمی، محبوبه (۱۳۸۲). «منتخب از مجله شمیم یاس»، ش ۱۲، اسفند، وبگاه پگاه حوزه.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). *مجموعه مقالات هویت در ایران*، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اصلانی، جعفر (۱۳۸۵). *مصاحبه در برنامه تلویزیونی صبحگاهی «مردم ایران سلام»*، ۶ شهریور، مصادف با روز پاسدار
- اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۶۸؛ ۱۹۹۰).
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). «پذیرش دانشجوی خارجی در کشور، تجربیات و راهکارها»، تهران، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۲۳۴ و ۲۳۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و فضلاء غیرایرانی (۱۳۹۰/۷/۲۴)، وبگاه پگاه حوزه.
- جوزف اس. نای (۱۳۸۷). *قدرت نرم*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، چاپ اول.
- چلبی و عباسی، مسعود و رسول (۱۳۸۳). *تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان*، تهران: پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۳۱-۳۲، بهار و تابستان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *لغتنامه دهخدا*، ج ۱۴، دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- زلفی‌گلی، محمدعلی (۱۳۸۲). «نظریه مهاجرت ژن‌ها، نگاهی عمیق‌تر به پدیده فرار مغزها»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۲، شهریور.
- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران.
- شهریاری، معصومه (۱۳۸۳). «آموزش عالی برنامه‌ای برای مهار مهاجرت دانشجویان ندارد»، *نشریه شرق*، ۲۶ فروردین، تهران.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- ضرغام، نصرت‌الله (۱۳۸۹). «درآمدزایی آمریکایی‌ها از دانشجویان خارجی»، *خبرگزاری مهر*، ۲۴ فروردین.

طایفی، علی (۱۳۷۹). «نگرش نظام‌گرا در بررسی عوامل مؤثر بر خروج نیروهای متخصص از کشور (فرار مغزها یا شکار مغزها)». *سمینار بررسی مسائل، مشکلات و چشم‌اندازهای آتی اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران*.

---- (۱۳۸۱- الف). «بررسی خروج نخبگان از کشور»، *هفته‌نامه خبری- تحلیلی برنامه*، ش ۶، آبان ماه.

---- (۱۳۸۱- ب). «فرار مغزها یا شکار مغزها»: www.iran-emrooz.com
 عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). «بسیج؛ رهیافت عملی بنیاد امنیت ملی بر پایه قدرت نرم»، از مجموعه *قدرت نرم، فرهنگ و امنیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

کوششی، مجید (۱۳۸۳). «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه نیروی کار استان تهران»، *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
 گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

گروهی از نویسندگان؛ عماد افروغ، مسعود کوثری، هادی جلیلی و دیگران (۱۳۸۰). *جامعه و فرهنگ*، ج ۴، تهران: انتشارات آرون.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، تهران: انتشارات نوید.
 مصاحبه مجتبی صدیقی. معاون وزیر علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲)، کد خبر ۴۷۸۲۱۴۲ www.yjc.ir.

مصاحبه نادری منش (۱۳۹۱). معاون وزیر علوم تحقیقات و فناوری، ۲۳ آبان، www.motaznews.com
 مصفا، نسرين، (۱۳۸۳). «هویت زن ایرانی» در *هویت در ایران*، گزارش کنفرانس جهانی یونسکو درباره سیاست‌های فرهنگی، مکزیکوسیتی ۱۹۸۲، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

---- (۱۳۸۵). *سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.

نوازنی، بهرام (۱۳۸۸). «الگوی جذب و پذیرش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران»، گزارش علمی مدیریت پیشین دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

- Alexander Wendt and Micheal Barnett (1993). "Dependent State Formation and Third World Militalization", *International Studies*, Vol.19, No.4.
- Bary, Buzan and Ole, Waver (2003). "Slippery? Contra dictory? Sociological Untenable? The Copenhagen School Replies?", *Review of International Studies*.
- Emanuel Adler and Micheal Barentt (eds.) (1998). "Security Communities", Cambridge: Cambridge University Press.
- Katzenstein, Peter (ed.) (1996). *The Culture of National Security: Norms and Identity in Word politics*, New York: Columbia University Press.
- Onuf, N. (1994). "The Constitution of International Society", *European Journal of International Law*.
- Waver, Ole (1995). *Securitization and De Securitization*, New York: Security Studies. pp.16-89
- Wendt, A. (2000). "On the Via Media: A Response to the Critics", *Review of International Studies*.